

# مدرسهٔ شری

شماره ۹۵ تابستان ۹۵

No.43 Summer 2016

۴۸۱-۴۹۸

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۸/۲۴

## «مقام نور در آیه نور»؛ معرفی اصول کیفی نور(طبیعی) منطبق بر متون قرآنی جهت کاربست در فضاهای عبادی معاصر

بهرام احمدخانی ملکی\* - دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر  
اسلامی، تبریز، ایران.

فرزین حق‌پرست - استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی، تبریز، ایران.

### چکیده

#### Light Dignity in Ayat al-Nur; Qualitative principles of (natural) light based on Quranic texts for appli- cation in contemporary Religion spaces

#### Abstract

Manifestation of metaphysics is based on the physics of light, it is the main axis of the aesthetics of Islamic architecture in the spirituality and meaning. The traditional architecture in the light of Islamic culture and a symbol of the divine unity of God and is therefore a special place in the architecture of religious spaces, such as spaces, particularly mosques. Sacred art is art in which the presence of this right, and see to it that the human spark, remember God and Islam's sacred architecture more than anything there is in the mosque at Epiphany. Nowadays, contemporary in mosques to less light as an element of identity section note. The purpose of writing this article is to identify the properties of the (natural) light quality based on Quranic texts in order to fulfill the disclosure of spiritual space. Verse 35 of Surah Noor(Ayat al-Nur), light verse of the Quran is the most complete understanding of it, depends on understanding individual words and then sentences the combination of concepts and verses, so getting to and interpretation of the verse without such knowledge, problem. So the author based on interpretations by Islamic philosophers of the verse and the verse implied senses of components, quality characteristics of (natural) light is the extract. The method used in this research is descriptive and analytical reasoning techniques. The main findings of the research, extraction seven principles relating to the quality of light (natural) light is the ayah. These principles include: The principle of the universe, the principle of hierarchy, the principle of Justice, the rejection of the principle of the matter, the principle of motion and the principle of continuity, stability and order and the principle of mystery. Obviously, the quality of (natural) light in the worship space, both objective and subjective concepts in space and the sense of spirituality (The appearance of the backend) awarded by audiences and ultimately increase will lead to the holy place.

**Key words:** (natural) Light, Ayat al-Nur, quality of light, Religion space.

تجلى متأفيزيك نور بر فیزیک بنا، آن را اصلی‌ترین محور زیبایی‌شناسی معماری اسلامی در عرفان و معنا قرار داده است. نور در معماری سنتی و در فرهنگ اسلامی نمادی از خداوند و وحدت الهی است به همین خاطر جایگاهی خاص در معماری فضاهای خصوصی مذهبی مانند مساجد دارد. هنر مقدس هنری است که در آن حضور حق جاری باشد و دیدن آن، انسان را به یاد خداوند بیندازد و معماری قدسی اسلام بیش از هر چیز در وجود مسجد تجلی یافته است. امروزه در مساجد معاصر کمتر به مقوله نور به عنوان یک عنصر هویت‌بخش توجه شده است. هدف از نگارش این مقاله شناسایی خصوصیات کیفی نور (طبیعی) بر اساس متون قرآنی در راستای تحقق‌پذیری فضای معنوی می‌باشد. آیه ۳۵ سوره نور، کامل‌ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود که فهم آن، منوط به شناخت کامل یکایک کلمات و آنگاه ترکیب مفاهیم و جملات آیه است؛ چندان که بدون چنین شناختی دست یافتن به مقصد و تفسیر آیه، مشکل می‌نماید. لذا نگارنده بر اساس تاویل‌های صورت گرفته توسط فلاسفه اسلامی در خصوص آیه نور و بررسی مفاهیم مستتر در اجزای این آیه، مشخصات کیفی نور(طبیعی) را استخراج نموده است. روش تحقیق به کار رفته در این تحقیق استدلال منطقی با تکنیک توصیفی و تحلیلی می‌باشد. یافته اصلی تحقیق، استخراج هفت اصل مربوط به خصوصیات کیفی نور(طبیعی) از آیه نور می‌باشد. این اصول عبارتند از: اصل هستی بخشی، اصل سلسه مراتب، اصل عدالت، اصل نفی ماده، اصل استمرار و تداوم، اصل حرکت و جهت و اصل آیتی. بدیهی است که با حضور کیفی نور(طبیعی) در فضای عبادی، مفاهیم عینی و ذهنی در فضا بوجود آمده و باعث حس معنویت (سیر از ظاهر به باطن) توسط مخاطب و در نهایت افزایش تعلق به مکان مقدس را منجذب خواهد شد.

**وازگان کلیدی:** نور(طبیعی)، آیه نور، اصول کیفی نور، فضای عبادی.

\* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۴۳۰۸۰۱۸۵. رایانه‌ای: b.ahmad.khani@tabriziau.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری معماری اسلامی با عنوان «مقام نور؛ ارزیابی کمی و کیفی نور(روز) در مساجد تاریخی تبریز با رویکرد معنویت بخشی به فضا» می‌باشد که توسط نگارنده اول و با راهنمایی نگارنده دوم در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر اسلامی تبریز در حال انجام است.

که در تاریخ معماری غنی ایران به شیوه‌ای خلاصه توسط معماران با ذوق و آگاه ایرانی به کار رفته است. لازم به ذکر است که؛ بواسطه نور تصاویر عینی و ذهنی از دنیای اطراف در ذهن ما شکل می‌گیرد و فضای ادراکی تنها از طریق دریافت کیفیات فضای واقعی تصویر می‌شود. ناگفته پیداست که فضای ادراکی با فضای واقعی یکی نیست. و تصویر ذهنی از فضا نتیجه نهایی است که در نتیجه ادراک روی داده است. کیفیت فضا، چونی و چگونگی فضاست که تأثیر عاطفی خاصی بر انسان می‌گذارد. و این کیفیت از ویژگیهای بالقوه آن منتج می‌شود که با حلول نور به فعل در می‌آیند. به سخن بهتر، نور با خصوصیات کیفی خود عامل اساسی در تبدیل فضای عبادی به مکان مقدس می‌باشد. بر این اساس، نگارنده در پژوهش حاضر بر اساس تفاسیر صورت گرفته در مورد «نور» و «آیه نور» خصوصیات کیفی نور را استخراج نموده، تا با معرفی آنها، در بهبود کیفیت فضایی مساجد قدمهای اساسی برداشته شود.

## ۲. پیشینه بحث

بحث نور در یونان در دوره پیش از سقرات در اندیشه امپوکلس (هومن، ۱۳۸۱، ص ۹۴) و پارمنیدس و در دوره های پس از سقرات، در اندیشه های افلاطون و دیگران مطرح شده است. در آیین مسیح (ع) نیز کتاب مقدس با سخن درباره آفرینش نور آغاز می‌شود (کتاب مقدس، ۱۳۶۲، ص ۱). در دوره پس از ظهور دین مسیحیت نیز اشاراتی از سوی برخی متفکران چون اسپینوزا، (اسپینوزا، ۱۳۶۴، ص ۱۱۴) به این موضوع شده است.

در ایران پیش از اسلام نور در آیین زرتشتی جایگاه ویژه‌ای داشته است (میرخراي، ۱۳۸۳، ص ۲۲). اساس دین مانی نیز بر دو اصل خير و شرّ یا نور و ظلمت استوار است (تقیزاده، ۱۳۳۵، ص ۳۷). درباره طرح این موضوع در اسلام می‌توان گفت وجود سوره‌ای به نام «نور» در قران و نیز آيه‌ای به نام «نور» در این سوره، همچنین چهل و سه بار

«انگیزه روی آوردن به سوی نور در هنگام پرستش خداوند در اديان مختلف وجود داشته و دارد. در اسلام و جهان‌بینی اسلامی نیز نور روز از جایگاه ویژه و ارزشمندی برخوردار بوده است. از اين‌رو همندان اسلامی همواره کوشیده‌اند تا در آنچه می‌آفريند از نور به عنوان نماد و مظهری که به وحدت الهی نزدیک است، حداکثر بهره را ببرند. فضاهای معماري ايرانی نیز همواره آكnde از جلوه‌های بصری و معنوی نور بوده که تجلی اين جنبه‌های معنوی و تزئينی را می‌توان در معماری مساجد به عنوان شاخص‌ترین بناهای اسلامی به خوبی مشاهده کرد» (بمانيان و نيكودل، ۱۳۹۳، ص ۶۱).

با وقوع انقلاب صنعتی، رواج تفکر مدرن و جهانی شدن ابزار مدرنيزاسيون، دگرگونی‌های بنیادينی در زندگی بشر به وقوع پيوست. پيشرفت فناوري، تنوع محصولات و فرآورده‌های مدرن و در نهايit توسيع اصول جهانی معماري مدرن باعث ايجاد تحولاتی در عالم معماري گشت که برخی از آن تغييرات جبران‌ناپذير به نظر می‌رسد. نگاهی گذرا به معماری ايران در صد سال گذشته نماينگ حذف و يا ناكارآمد انگاشته شدن عناصر فضاهای معماري بوده است که در طول قرنها، حضوري پايدار داشتند. عناصری که نه تنها جنبه‌های عملکردي معماري را اعتلاء می‌بخشند بلکه با همسازی با شرایط اقليمي منطقه، نوعی معنویت خاص برای فضای معماري فراهم می‌نمودند. امروزه نگرش كميي و ناديده گرفته شدن جنبه‌های معنائي در طراحی اغلب فضاهای موجب گشته تا طراحی نور به تأمین نور مورد نياز برای فعالیتهای فیزيکی تقليل يابد. اين امر موجب از بين رفتن آثار روح‌بخش نور در فضای عبادی و نياز به استفاده هرچه بيشتر از انرژي‌های الکترونيکی شده است. امروزه معماران برای بكارگيري جلوه‌های اثرگذار و كيفی نور وابسته به تجهيزات نور مصنوعی شده‌اند فارغ از آنکه هنر بكارگيري نور طبيعی اثرات ماندگار كيفی و كمي بى‌شماری دارد

## جدول ۱. مفهوم نور در فرهنگ لغات (بر اساس پردازش اطلاعات نگارنده).

| منبع   | مفهوم   |
|--|---|
| دهدخدا(۱۳۷۷)                                 | ۱-روشنایی. ۲- روشنی هرچه باشد، یا شعاع روشنی. ۳- ضیاء، سنا، ضوء، شید، فروع. ۴- کیفیتی که بوسیله حس بینایی درک می‌شود و به وساطت آن اشیاء دیده می‌شود. |
| عمید(۱۳۷۹)                                   | ۱-روشنایی؛ تابش؛ فروع؛ فروز؛ نور چراغ، نور آفتاب. ۲- توانایی دیدن. ۳- بیست و چهارمین سوره قرآن کریم. ۴- رونق.   |
| معین(۱۳۷۹)                                   | ۱ - روشنایی، فروع. ۲- شعاع. ۳- قدرت دید، سو. ۴- سوره بیست و چهارم از قرآن کریم. ۵ - رونق، جلوه.   |
| فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان (۱۳۷۶) تا (۱۳۸۵) | گسترهای از طیف الکترومغناطیسی که چشم آن را می‌بیند؛ گاهی این اصطلاح برای تابش‌های فروسرخ و فرابنفش نیز به کار می‌رود.                                 |

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۸۳

۳.۳. روش پژوهش: روش تحقیق مورد استفاده، استدلال منطقی با تکیه بر تکنیک‌های توصیفی و تحلیلی خواهد بود.

### ۴. ادبیات موضوع

#### ۴.۱. مفهوم لغوی نور

طلوع خورشید با پراکنده شدن اشعه‌هایی همراه است که مجموع آنها نور نامیده می‌شود. نور یعنی روشنایی یا شعاع روشنی، کیفیتی که خودش پیدا، آشکار و روشن است و اشیاء دیگر را روشن و پیدا می‌کند. نور، مترادف ضیاء، ضوء و روشنایی است. در لغت و اصطلاح علوم، نور و ضوء اندکی متفاوتند. ضوء، «نور ذاتی شی» و کیفیتی است که کمال بالذات شی شفاف از آن جهت که آن شی شفاف است محسوب می‌شود. اما نور، از غیر خود مستفاد شده و کیفیتی است که جسم غیرشفاف از آن بهره‌مند شده و شفاف بالفعل می‌گردد(نوربخش، ۱۳۸۴، ص. ۷). مفهوم نور در فرهنگ لغات دهدخدا، عمید، معین و فرهنگ واژگان مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی به شرح ذیل در جدول شماره (۱) آمده است:

تکرار این واژه در آیات مختلف بیانگر اهمیت این بحث می‌باشد. پس از نزول قرآن نیز که مفسران به تفسیر آیات قرآن به روش‌های مختلف روایی، عرفانی، اجتهادی، فلسفی، کلامی پرداختند برخی مفسران مانند علامه طباطبائی، فخر رازی، ملاصدرا مباحث مفصل و مبسوطی درباره این موضوع ارائه کرده اند و بزرگانی چون ابوحامد غزالی، ابن سينا علی رغم نپرداختن به تفسیر کل قرآن، از توجه به آیه مبارکه نور غافل نمانده و رساله‌هایی در تفسیر این آیه مبارکه تألیف کرده‌اند که این مطلب بیانگر اهمیت این آیه و مباحث مربوط به آن می‌باشد. برخی متفکران دیگر همچون شیخ اشراق فلسفه خود را بر نور و ظلمت بنا نهاده‌اند.

#### ۳. فرآیند پژوهش

۳.۱. هدف پژوهش: هدف از این پژوهش، معرفی خصوصیات کیفی نور(طبیعی) بر اساس متون قرآنی جهت کاربرست در معماری معاصر فضاهای عبادی می‌باشد.

۳.۲. سوال پژوهش: نور (طبیعی) با چه خصوصیات کیفی، مشخصات فضای عبادی را به یک مکان معنوی تغییر داده و حس مکان مقدس را بوجود می‌آورد؟

## ۴.۲ جایگاه نور در فرهنگ و معماری ایرانی اسلامی

بنیاد هستی و بزرگترین حقیقت عالم را در نور میتوان یافت. حضور نور در آثار معماری، در طول دوره‌های مختلف تاریخی (پیش از اسلام و پس از ورود آن به ایران) چه از جنبه عملکردی نور که عاملی برای روشنایی و حیات‌بخشی در فعالیت‌های روزانه بوده است و چه از جهت اهمیت آن در مباحث اعتقادی ادیان، همواره مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. قرنهاست که عارفان در ستایش نور در مقام جوهری معنوی سرودها خوانده و شعرها سروده‌اند. انگیزه روی کردن به سوی نور و فروغ در هنگام پرستش خداوند در آیین زردهشتی به روشنی در این سخن آشوزردشت هویداست: «چون خداوند یا نور کل به دیده ظاهری ما دیده نمی‌شود، پس باید با دیده ظاهربین رو به سوی انوار صوری یا ظاهری نموده و از این راه وجودان معنی بین را به سوی نور معنوی یعنی اهورامزدا راهنمایی کرد» (اوشیدری، ۱۳۷۹، ص. ۲۵).

فرهنگ اسلام، مفهوم اصیلی از نور ارایه می‌دهد که با تاویل عالمانه و در سایه ژرفنگری قابلیت رمزگشایی دارد. واژه نور و متعلقات آن چهل‌ونه بار در قرآن ذکر شده است و در معانی مختلفی چون ایمان، یقین، پاکی، رحمت، هدایت‌گری، قداست، نور عقل که ظلمت جهل را ویران می‌کند و ... آمده است. در آیه ۳۵ سوره نور، «الله نور السموات و الارض... که کامل ترین آیه نوری قرآن محسوب می‌شود، مراد از نور، نوری است که حقیقتاً اسم نور به آن اطلاق می‌شود (سهروردی، ۱۳۸۳، ص. ۳۶۵). نوری حقیقی و بسیط که اولاً به خودی خود روشن است. ثانیاً، روشنی بخش است و غیر خود را آشکار می‌کند یعنی «الظاهر بذاته و المظہر لغیره هو النور» (سهروردی، ۱۳۷۵، ج. ۲: صص ۱۱۳-۱۱۴). از این رو اطلاق نور به ذات مقدس خداوند، حقیقی است و به سایر انوار، نور مجازی اطلاق می‌شود؛ و بدین سان است که تجلی ذات مقدس خداوند، نور

است؛ زیرا اگر تجلی، عَرَض باشد و بر نور اضافه شده باشد لازم می‌آید که نور فی نفسه قابل رویت نباشد و خود به وسیله چیز دیگر که فی نفسه قابل رویت است، دیده شود (لاهوری، ۱۳۸۰، ص. ۱۰۰). اولین جایگاه تجلی هنر ایرانی و اسلامی، در معماری مساجد است که فضا و مکانی برای ارتباط نورالنوار می‌باشد (بمانیان، عالی‌نسب، ۱۳۹۰، ص. ۵۴۳). معماران در ساختن مساجد که نماد معماری مذهبی به شمار می‌رود علاوه بر استفاده مادی از نور، مفهوم نمادی اعتقادی آن را نیز لحاظ کرده‌اند (کشمیری و دیگران، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

## ۴.۳ نور در دیدگاه قرآن

مسلمانان معتقدند کسانی که به مرتبه والایی از آگاهی معنوی رسیده‌اند و حقیقت را درک می‌کنند، سرشار از نور آگاهی الهی هستند و آغوش آنها به روی دریافت موهبت‌های عظیم الهی باز است. به عقیده مسلمانان، نور بر اشراف یافتگان می‌تابد، حتی اگر در فقر مادی به سر برند. کسانی که در نور هستند، فقر یا درماندگی را نمی‌شناسند؛ زیرا با غنای معنوی و شکوه الهی آشنا شده‌اند. اساتید اشراق یافته و پیامبران خدا همانند آیینه‌ای هستند که مومنانه نور خدا را منعکس می‌کنند (باسائو، ۱۳۸۵، ص. ۶۵). اسلام می‌گوید: «دین، نوری درخشان است که می‌تواند از انسان محافظت کند. وقتی که نور از بشر پنهان باشد، در آرامش و صلح وقفه ایجاد می‌شود. نور در درون ما پنهان است و هنگامی که ساکنان زمینی نمی‌توانند دین را به عنوان یک نور الهی بدانند و به آن احترام بگذارند، به طور قطعی شکست می‌خورند. افق جهان، درخشان از نورالنور یا همه نورها است. اما عموم بشریت قادر به دیدن آن نیستند» (همان، ص. ۱۰۰). در قرآن کریم، به کرات از نور یاد شده است. جدول شماره (۲) اشاره به آیاتی از قرآن کریم دارد که در آنها به نور اشاره شده است. از میان آیات مذکور، عظیم‌ترین آیه قرآن در مورد نور، آیه ۳۵ سوره نور است. از دیدگاه مفسران اسلامی، آیه فوق بیانگر این حقیقت است

وسیله خودش به خودی خود ظاهر باشد تا دیگران را ظهور دهد و تنها چیزی که در عالم به ذات خود ظاهر و برای غیر خود مظہر باشد، همان نور است. پس خدای تعالی نوری است که آسمان‌ها و زمین با اشراق او بر آنها ظهور یافته‌اند. همچنان که انوار

که «خدای تعالی دارای نوری عمومی است که با آن آسمان و زمین نورانی شده است و در نتیجه بوسیله آن نور در عالم وجود حقایق ظهور نموده است که ظاهربوده و باید هم این چنین باشد. چون ظهور هر چیز اگر به وسیله چیز دیگری باشد، باید آن

جدول ۲. مفهوم نور در تعدادی از آیات قرآنی (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)

| سوره  | آیه | متن آیه و ترجمه  | برداشت مفهومی                 |
|-------|-----|--|-------------------------------|
| مائده | ۴۴  | إِنَّا أَنزَلْنَا التُّورَةَ فِيهَا هُدًىٰ...؛ مَا تُورَاتْ رَا كَه در آن رهنمود و روشنایی بود، نازل کردیم ...   | نور معادل تورات               |
| مائده | ۴۶  | ... وَ آتَيْنَا إِنْجِيلَ فِيهِ هُدًىٰ وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقاً لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التُّورَةِ وَ ...؛ ... وَ اورا نجیل دادیم که در آن هدایت و نور بود و آن نیز تصدیق کننده تورات پیش از خود و ...  | نور معادل انجیل               |
| رعد   | ۱۶  | ... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلْمَاتُ وَالنُّورُ ...؛ ... بگو: آیا چشم نابینا (ی جاهل) و دیده بینا (ی عالم) یکسان است؟ یا ظلمات شرک و بت پرسنی) با نور (معرفت و خدا پرسنی) مساوی است؟ ...  | نور به معنای بینایی و روشنایی |
| توبه  | ۳۲  | يُرِيدُونَ أَن يُطْفُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ يَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتَمَّ نُورَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكُفَّارُونَ؛ می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، و خدا جز به کمال رساندن نور خود نمی خواهد. هر چند کافران را خوش نیاید.   | نور به معنای قرآن             |
| تعابن | ۸   | فَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ حَبِيرٌ؛ پس، به خدا و رسولش و نوری (کتاب آسمانی قرآن) که نازل کردیم، ایمان آورید و بدانید که خداوند به آنچه عمل می کنید آگاه است.   | نور به معنای پیامبر           |
| زمر   | ۶۹  | واشرقت الأرض بنور ربها ...؛ و زمین به نور پروردگارش روشنی یافت ...   | نور به معنای راه راست         |
| حديد  | ۹   | هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلْمَاتِ إِلَى النُّورِ ...؛ اوست که بر بندۀ خود همواره آیات و دلایل روشنی فرو می فرستد تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور (هدایت) بیرون آوردد ...  | نور به معنای راهنمای و رهبر   |
| حديد  | ۱۹  | وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّدِيقُونَ وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ؛ کسانی که به خدا و رسولان او ایمان آوردن، آنها «صدیقین» (بسیار راستگویان و تصدیق کنندگان) و گواهان نزد پروردگارشان هستند، برای آنها است پاداششان و نورشان. | نور به معنای اجر و پاداش      |
| یونس  | ۵   | هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا ...؛ خدا است که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانده است ...   | نور حسی                       |

## درییت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۸۵

|  |           |             |
|--|-----------|-------------|
| <p>الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثُلُّ نُورِهِ كَمُشْكَاهٌ فِيهَا مَضْبَاحٌ الْمُضْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ الزُّجَاجَةِ كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرْرِيٌّ بُوقَدٌ مِنْ شَجَرَةِ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرِقَةٌ وَلَا غَرْبَيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْلَمْ تَمَسَّسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ خَدَا نُورَ آسَمَانِهَا وَزَمِينَ اسْتَمْثَالَ نُورًا وَهَمْجُونَ مَحْفَظَهَا اسْتَكَدَ كَهْ دَرَ آنَ چَراغَى باشَدَ، وَچَراغَ در شِيشَهَايِ اسْتَ، شِيشَهَايِ چُونَ يَكَ ستَارَهِ در خِشَانَ كَهْ آنَ چَراغَ با رُوغَنَ زَيْتَى صَافَ وَزَلَالَ باشَدَ از درختَ پَرَ برَكَتَ زَيْتونَ كَهْ نَهْ شَرِقَى اسْتَ وَنَهْ غَربَى گَرْفَتَهِ شَدَهِ، در نَتِيجَهِ آنْچَنانَ صَافَى وَزَلَالَ اسْتَ كَهْ نَزَديكَ اسْتَ خَودَ بَهْ خَودَ مَحْتَرَقَ شَوَدَ، اَغْرِيَ چَهَ آتشَ هَمَ بَهْ آنَ نَرْسيَدَهِ باشَدَ، چَنِينَ چَراغَى نُورَشَ دَوْ چَنَدانَ وَنُورَى فَوقَ نُورَ اسْتَ، خَدَا هَرَ كَسَ رَا كَهْ بَخَواهَدَ بَهْ نُورَ خَويَشَ هَدَايَتَ مَىْ كَندَ وَخَدَا اَيْنَ مَثَلَهَا رَا بَرَايِ مَرَدمَ مَىْ زَنَدَ وَاوَهَهِ هَرْچَيزَ دَانَاستَ.</p> | <p>۳۵</p> | <p>نُور</p> |
|--|-----------|-------------|

نیز تشبیهاتی چون «مشکاه»، «زجاجه» و «کوکب» خود محکم‌ترین دلیل بر اثبات عالم مثال و وجود حقیقی نور در مراتب خویش است.

**۵. نور و آیه نور در دیدگاه فلاسفه اسلامی**  
 پس از سایه‌گسترش دین اسلام بر سرزمینی به گستردگی آسیای مرکزی تا سلسله جبال پیرنه، مراکزی علمی مانند حوزه علمی اسکندریه که در این بخش از جهان متعدد آن روزگار قرار داشت، توجه مسلمانان را به خود جلب کرد و باعث شد که متفکران اسلامی به ترجمه کتابهای علمی از زبانهای سریانی، یونانی و پهلوی به زبان عربی بپردازند. توجه اساسی مسلمانان به ترجمه علوم و فنون از میانه قرن دوم هجری آغاز شد و در سالهای پایانی قرن چهارم به اوج خود رسید. در این مدت کتابهای بسیاری در دانشگاه‌های گوناگون همانند فلسفه، منطق، طبیعت‌شناسی و ریاضیات ترجمه شد. مسلمانان در این برهه که عصر ترجمه (نهضت ترجمه) نام گرفت به جذب کلیه اندوخته‌های فرهنگی که پیش از اسلام در شرق و غرب وجود داشت، همت گماشتند و آن را با تعالیم دین خویش پیوند دادند. فلسفه اسلامی نیز مانند سایر نحله‌های فکری اسلامی محصول حوزه معرفت دینی است. قرآن کریم به

حسی نیز اینگونه هستند، یعنی خود آنها ظاهر هستند و با تابیدن به اجسام ظلمانی و کدر آنها را روشن می‌کنند. با این تفاوت که ظهر اشیاء به

نور الهی عین وجود یافتن آنها است. ولی ظهر اجسام کثیف بوسیله انوار حسی، غیر اصل وجودی آنها است» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ص ۱۷۰).

تاكید بر نسبت میان وجود و نور به ویژه در تفسیر آیه نور آن هم از سوی یکی از بزرگترین مفسران معاصر، تاییدی بر این همانندی است: «نور عبارت است از چیزی که ظاهر بالذات و مظهر غیر است، مظهر اجسام قابل دیدن. و چون وجود هستی هر چیزی باعث ظهر آن چیز برای دیگران است، پس مصدق تام نور همان وجود است و از سوی دیگر چون موجودات امکانی وجودشان به ایجاد خدای تعالی است پس خدای تعالی کامل‌ترین مصدق نور می‌باشد. اوست که ظاهر بالذات و مظهر ماسوی خویش است و هر وجودی به وسیله او ظهر می‌یابد و موجود می‌شود. پس خدای سبحان نوری است که بوسیله او آسمان‌ها و زمین ظهر یافته‌اند» (همان، ص ۱۷۲). اما آیه ۳۵ سوره نور نه تنها به این دلیل که کامل‌ترین آیه نوری قرآن است، مورد توجه ما است، بلکه وجود تعابیری چون «مثل نوره» و

## دریس شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۸۶

جدول ۳. نور و تاویل مثال های نوری آیه نور از دیدگاه فلاسفه اسلامی (بر اساس پردازش اطلاعات توسط نگارنده)

| ملاصدرا                | سهروردی   | غزالی                  | ابن سينا  |                         |                             |
|------------------------|---|------------------------|---|-------------------------|-----------------------------|
| نور حقيقی همانا خداست. | نور مطلق خداست و نزدیکی به نورالانوار موجب افزایش قدرت حضور می شود. | منبع تمام نورها خداست. | خداآوند حد اعلى و اتم و اکمل نور و کمال مطلق است. | نسبت میان نور و خداآوند | تاویل مثال های نوری آیه نور |
| عالم اجسام             | پدر حضرت محمد(ص)، مبدع، نور ارشاد                                   | روح حساس               | عقل هیولانی                                       | مشکات                   |                             |
| عرش                    | چشم   | روح خیالی              | عقل بالملكه، نفس                                  | زجاجه                   |                             |
| -                      | نور   | -                      | عقل فعال  | نار                     |                             |
| عالم ارواح نفسانی      | -   | -                      | قوه قدسیه، حدس                                    | زیست                    |                             |
| -                      | -   | -                      | -   | فتیله                   |                             |
| روح اعظم               | ایمان حضرت محمد(ص)، علم، دل، عقل تاریک که با قرآن روشن می شود       | روح عقلی               | عقل بالفعل  | مصباح                   |                             |
| -                      | امام، خلیفه خدا روی زمین  | روح قدسی نبیوی         | عقل مستفاد  | نور                     |                             |
| هیولای کلی             | قوه تفکر، درخت موسی، درخت زیتون                                     | روح فکری               | فکر   | درخت                    |                             |

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۸۷

ظاهرگرایان معروفاند، در تفسیر مفاهیمی چون: عرش، کرسی، صراط، لوح و قلم به معنای ظاهری آنها اکتفا نموده، فهم ظاهر قرآن را به عنوان یگانه راه حقيقی تصور کردند. در مقابل اینان معتزله بودند که به حجیت عقل اعتقاد داشتند و هر جا آیات قرآن را مخالف عقل می دیدند آن را به کمک عقل تأویل می کردند. اشاعره نیز رویکرد سومی را پیش گرفتند. آنان هر چند عقل را انکار نمی کردند، ولی در مقابل ایمان، قائل به حجیت عقل نبودند. فلاسفه اسلامی در تقابل میان این سه رویکرد به وجود آمد. البته این رویکرد چهارم بیشتر وامدار مذهب تشیع است. شاید به همین خاطر دانشیان

عنوان یکی از منابع الهام فلاسفه اسلامی، به رغم گمان برخی از متفکران غربی هسته مرکزی تفکر مابعدالطبیعی فلاسفه و مشحون از مسائلی است که مورد توجه مشترک دین و فلسفه می باشد. از این رو در پی تعارضی که بین آرای فلسفی خردورزان یونان با متون دینی به وجود آمده بود، فیلسوفان مسلمان کوشیدند تا به فهم متون نایل آیند و از این طریق میان فلاسفه و دین همسوی ایجاد کنند. شایان توضیح است که بسیاری از متكلمان در تبیین و تفسیر متون دینی به ظواهر قرآن تمسک کردند و برای عقل هیچ مدخلیتی در تفسیر آیات و تبیین مبانی معرفتی ایمان قائل نشdenد. این گروه که به

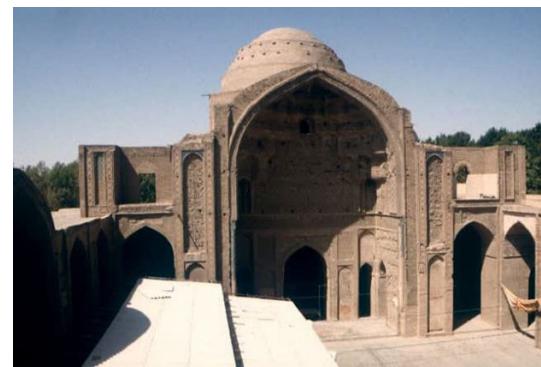
می‌تواند مشخصات فضارا کیفی کرده و آن را به یک مکان مقدس هویت دار جهت انجام فرایض دینی مبدل ساخت. نگارنده آیه نور را به هفت قسمت، جزء بندی نموده و بر اساس مفاهیم مستتر در آنها، اصل صادر شده از آنها را بیان نموده است که به قرار زیر می‌باشد:

- اصل اول: «اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر اصل یگانگی وجود.
- اصل دوم: «مَثُلُّ نُورٍ كَمُشْكُوَةٍ فِيهَا مُصْبَاحٌ الْمُصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الرُّجَاجَةُ كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ»؛ اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال.
- اصل سوم: «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَ لَا غَربِيَّةٍ»؛ اصل عدالت(ب)ی جهتی و (همه جهتی)
- اصل چهارم: «يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيَّأُ وَ لَوْلُمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده.
- اصل پنجم: «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم.
- اصل ششم: «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ»؛ اصل حرکت و جهت.
- اصل هفتم: «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اصل آیتی.
- ۱.۶. اصل اول: «اللَّهُ نُورٌ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر یگانگی وجود الهی خدا روشنگر هستی است. چرا که خداوند با پرتو اطف خود جهان را از نیستی به هستی آورده است و آن را پدیدار کرده است. هستی، فیض خداوند و پرتوی از نور اوست، قوام و بقای هستی از اوست. در سراسر حکمت ایرانی، رابطه رمزآمیز تعریف مبداء هستی بخش به واسطه نور به معنی هست شدن و موجود بودن به واسطه بود و وجودی است که با نور تعریف و شناخته شده است. حضور نور در اثر معماری وجود را تداعی می‌کند و وجود نور علت موجودیت را نشان می‌دهد. از این رو موجود که در اینجا معماری است- هستی اش وابسته به نور است، نور را که علاوه بر پدیداری کالبد مسبب

شیعه توجه خاصی به فلسفه ابراز نموده‌اند؛ چه اینکه مذهب تشیع در میان مذاهب اسلامی بیشتر مبتنی بر تعقل و خردورزی بوده است. بنابراین طبیعی می‌نمود که فیلسوفان مسلمان شیعی کوشش بیشتری در سازش میان دین و فلسفه کرده باشند که کندي (۱۸۵-۲۶۰) در آغاز آن قرار دارد و ابن‌سینا آن را به اوج خود رساند و سرانجام به دست توانای مرحوم صدرالمتألهین به بار نشست. فیلسوفان مسلمان راه آشتی بین دین و فلسفه را در تفسیر فلسفی قرآن می‌جستند. تفسیر فلسفی قرآن چنان که در روش تفسیری هر یک از فلاسفه خواهد آمد در صدد دریافت صورت اصلی و حقیقی آیات الهی است. سعی و تلاش فیلسوفان رهیابی به شناخت حقیقت پدیده‌هast. فیلسوف به وسیله تأویل در صدد حقیقت یابی مفاهیم و پدیده‌هایی است که بر روی پرده حقیقت ظاهرنامی می‌کند. فیلسوف می‌کوشد این پرده را با تأویل به کنار بزند و قسمت ناپیدای آن را هویدا سازد؛ اما اینکه در این راه چه اندازه کامیاب و پیروز بوده و توانسته‌اند به توفيق میان دین و فلسفه نایل آیند، بحث مستقلی را می‌طلبند که از حوصله این مختصر خارج است. این بخش از جستار حاضر، نگاهی جامع به فهم فیلسوفان مسلمان از آیه نور دارد تا در پرتو آن، دستاوردی از مذهب تفسیری اینان را نیز بیان کرده باشد. لذا در دو بخش نسبت نور به خداوند و منظور از مثالهای آیه نور به توصیف و تحلیل نظرگاه هر یک از آنان در جدول (۳) پرداخته ایم

**۶. معرفی اصول کیفی نور بر اساس آیه نور**  
بر اساس تأویل‌های صورت گرفته توسط مفسران اسلامی از یک طرف و ادبیات تحقیق؛ نگارنده اصولی را از متن آیه نور استخراج نموده است که همان اصول پایدار حضور کیفی نور در معماری قدیم ایران است، که در ذیل به آنها اشاره می‌شود. با توجه به اینکه قرآن وابسته به مکان و زمان نیست لذا این احکام مستخرج نیز قابلیت تعمیم پذیری در هر زمان و مکانی را دارد و به بکار بستن این الگوها

#### جدول ۴. اصل اول؛ اصل هستی بخشی مبتنی بر یگانگی وجود الهی



مسجد حکیم اصفهان

مسجد جامع ورامین

اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال در این مثال، خداوند خود را به (مصلح) و جهان را به (مشکاء) تشبیه فرموده است و مرادش از (زجاجه) پرده‌ای است که خداوند خویشتن را در فراسوی آن از چشم خلائق پنهان کرده است. ولی این پرده نه تنها نهان نمی‌دارد، بلکه بر شدت ظهور نیز می‌افزاید. نقش زجاجه در اینجا به عنوان تعديل کننده و پخش کننده نور است. مصلاح که در عرفان و حکمت نوری کورکننده است و دارای شدت بیشتری می‌باشد توسط زجاجه در فضا پخش شده و بدین وسیله تلطیف می‌گردد و انسان با آن انس بیشتری پیدا می‌کند. علامه طباطبائی نیز چنین می‌فرماید: «تشبیه زجاجه به کوکب دری، از جهت ازدیاد روشنایی نور مصباح است و شفافیتی که برادر ترکیب با زجاجه پیدا نموده است، که در آن صورت شعله، آرامش بیشتری یافته و بر اثر امواج هوا و وزیدن باد، اضطراب پیدا نمی‌کند، با این وصف، زجاجه همچون کوکب دری می‌درخشد» (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵/ص ۱۲۳). در نتیجه لازم است که نور به صورت سلسله مراتب و تعديل شده وارد فضا گردد. شدت‌های متفاوت نوری، کیفیاتی متفاوتی را خلق می‌کند که بدان طریق می‌توان برای هر فضا با مشخصه خاص، نور ویژه‌ای را تعریف نمود. ملاصدرا در حکمت متعالیه، حقیقت وجود را واقعیتی ذومراتب

پدیداری اساس حقیقت آن می‌شود، حقیقتی که ورای کالبد وجود دارد. نور با حضور خود وجود را معنا می‌بخشد و از این رو کالبد معماری را با وجود حضور کیفی خود زنده می‌کند. اصل هستی بخش مبتنی بر یگانگی وجود الهی می‌باشد و ظهور آن مستلزم حضور تاریکی در فضاست (جدول ۴). از این رو نور در این مقام «هستی بخش معماری» و به سخن دیگر نور جان معماری تلقی می‌شود. به عبارت بهتر:

- نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که پیدایی اثر را سبب می‌شود و موجودیت آن را تعریف می‌کند؛

- نور در این تعبیر جان معماری است به این دلیل که حقیقت مکان بر پایه نور و مفاهیم وابسته به آن تعریف می‌شود؛

- نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری را واجد باطنی کرده است که محتوای بیانگری استعلایی را در خود جای می‌دهد؛

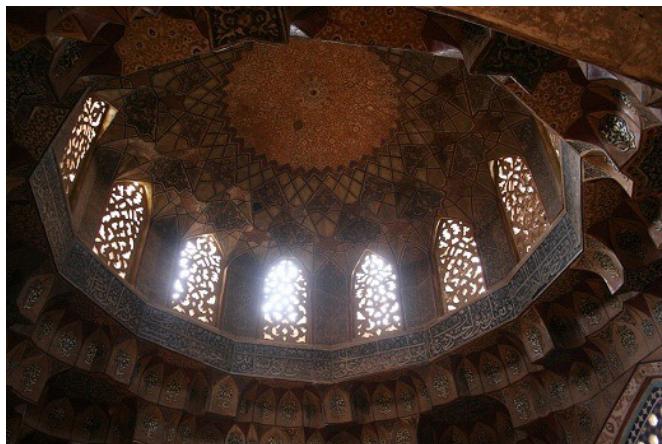
- نور در این تعبیر جان معماری است از آن رو که معماری همچون هر کنش دیگر در جوامع سنتی و آیینی، تمثیلی از موجودیتی (وجودی) است که به واسطه گونه‌ای از حضور نور پدیدار می‌شود و پیدایی خود را مدیون آن است.

۶.۲. اصل دوم: «مَثْلُ نُورٍ كَمْشَكُوهٌ فِيهَا مَصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةِ الزُّجَاجَةِ كَانَهَا كَوْكَبٌ دُرْرِيٌّ»

## جدول ۵. اصل دوم؛ اصل سلسله مراتب بودن نور مبتنی بر جمیل و جلال



مسجد امام اصفهان



مسجد گنجعلی خان کرمان

باعث ازدیاد نور در فضای داخلی می‌گردد(جدول ۵). با قرار دادن قالب برای نور غالب به عنوان حجاب، مکانیسم نورپردازی در فضای معماری قدیم ایران به صورت ذیل تعریف می‌گردد: مهار نور، تلطیف نور، انعکاس و جذب نور و هماهنگ کردن قدرت بینایی به نور.

۶.۳ اصل سوم: «يُوَقِّدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةً لَا شَرْقِيَّةً وَ لَا غَربِيَّةً»؛ اصل عدالت (اصل بی جهتی و همه جهتی)

از آنجا که این جمله وصف برای شجره است و مقصود از آن درخت زیتون است منظور از «لاشرقیه ولا الغربية» این است که همواره در تمام جهات برخوردار از آفتاب است تا ثمرة آن نیکو گردد. این امر موجب می‌گردد فضای عبادی از نور یکنواختی برخوردار بوده و هیچ قسمتی نسبت به قسمتی دیگر برتری نداشته باشد. اینگونه فضا به اصطلاح بهتر، فضای مالامال از نور است. از لحاظ علمی در اینگونه از فضاهای سایه فرد که نشانی از عالم مادی است به وجود نمی‌آید. و از ایجاد انسان نوری(کنتراست) جلوگیری می‌کند. ارزش فضایی هر نقطه از فضای عبادی با سایر نقاط یکی است. این امر سبب پیدایش فضای بی جهت یا همه جهت می‌شود(جدول ۶). معماری ما، در بالاترین و

و تشکیکی می‌داند که از وجود بی‌نهایت شدید شروع می‌شود و تا ضعیفترین وجود یعنی وجود هیولا و ماده نخستین امتداد می‌یابد. تشکیک در اصطلاح فلسفه البته بر اساس تفسیری که ملاصدرا از حقیقت خارجی دارد به این معنا است که وجود -که یک حقیقت واحد است- دارای مراتب مختلفی است و به عبارت دقیق‌تر در عین اینکه واحد است کثیر نیز هست و در عین کثیر بودنش واحد نیز هست. نور برای شناخته شدن نیاز به تجلی دارد و لذا معماری برای این منظور اسبابی را در نظر می‌گیرد که این اصل به گویایی بیشتر در فضای عبادی بروز نماید. بنابراین نور خدا هم گستردۀ است و هم ثابت. (شیشه، هم نور را زیاد می‌کند و هم نور را از خاموش شدن حفظ می‌کند). اصل تجلی در معماری ایران قدیم توسط اصل حجاب در برابر نور غالب بوجود می‌آید. نور شریف است و شرافت نور به حجاب آن است که در قالب آن حجاب به فضای درونی نفوذ می‌کند و این امر در معماری مساجد ایران قدیم به وفور مشهود است. اساس این حجاب نیز مبتنی بر جمیل و جلال وجود است. به عبارت دیگر، نقوشی که در مقابل نور غالب کشیده می‌شود به زیبایی وجه جمال و کمال نور الهی را به صورت سلسه‌وار بر دیده مخاطب آشکار می‌نماید و

## میری شهری

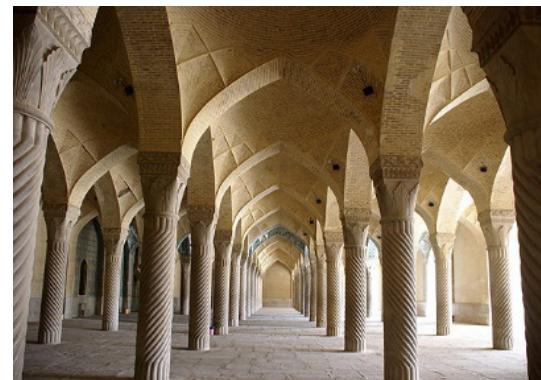
فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۹۰

## جدول ۶. اصل سوم: اصل عدالت (همه جهتی و بی جهتی)



مسجد جامع اصفهان



مسجد وکیل شیراز

است، تمایز جهت قبله از جهات دیگر آنقدر نیست که بی جهتی زیربنائی و بنیانی فضا را محدودش نماید. این بی جهتی فضا در افق در عین حال نوعی تأکید بر مرکز و توجه به سمت بالارا نیز در خود می‌پرورد یا زمینه را برای تحقق آن فراهم می‌کند.

**۶.۴. اصل چهارم: «یَكَادْ زَيْتُهَا يُضِيَّأَ وَ لَوْلَمْ ثَمَسْسَةُ نَارٌ»؛ اصل نفی ماده**

این مثال به این اشاره دارد که آن چراغ(مصباح) از روغنی فروع می‌گیرد که به آن روغن، آتش نرسیده است. به روشنی می‌توان مفهوم نفی مادیت را در این مثال دید. بر این اساس نور مصباح، نور درون نهفته است و وابسته به ماده(روغن) نیست. پس نور خدا از ذات اوست نه از عوامل بیرونی. حضور اندیشیده نور در سراسر معماری قدیم ایران که از طریق انتخاب آگاهانه اجزا، ترکیب آنها و نیز اثر برآیندی شان به تحقق رسیده است ماده را به جسمی لطیف تبدیل می‌کند و به عبارتی کالبد خام معماری را به پیکره‌ای بر خلاف مادگی مورد انتظار تبدیل می‌کند. به تعبیری در این فرآیند که نوعی نیل به ماده زدایی است، نور حقیقت ماده را به لطفت و انعطاف و پویایی تبیین می‌کند و مشارکت نور و ماده، پیداگر نهان‌ها و بیانگر بیان ناپذیرها می‌شود (جدول ۷). در این حالت

کلی ترین مرتبه طرح، حاوی بی جهتی است. این نکته را می‌توان در مبنای طرح حیاطی چهار ایوانی در مسجد یا مدرسه یا کاروانسرا و غیره آن دید. یا در قرارگیری فضاهای پراهمیت در میانه اضلاع حیاط یک خانه و یا فضای سرپوشیده یک تیمچه یا سرای بازار و نیز در طرح یک کوشک با گنبدی مرکزی و چهار ایوان رو به چهار جهت در اطراف آن، بوضوح مشاهده کرد. وجود نماهای مشابه چهار جهت داخل یک گنبد خانه، نشستن طاقنماها یا قوس‌های یکسان در چهار سوی یک تالار یا هشتی ورودی یک خانه و بسیاری دیگر نیز این بی جهتی کلی فضاهای را چه در کل طرح و چه در اجزا آن متصور می‌کند. تأکید مصرانه معمار بر فضاهایی با قاعده مربع و هشت ضلعی و هشت و نیم هشت و حتی با کمی تسامح مستطیل، در گوش و کنار بنا را نیز می‌توان منبعث از تمايل او به بی جهتی فضا دانست. با این تمهیدات در این فضاهای به هیچ سوئی کشیده نمی‌شویم و یا کشش به هر سو با کشش جهت مقابل خنثی می‌گردد و به این ترتیب انسان فشاری بر خود احساس نمی‌کند، گویی معمار با فراهم آوردن اسباب بی جهتی در فضا به انسان رهایی و به فضا کمال بخشیده است، حتی در مسجد که توجه و تأکید بر جهت قبله مهم، لازم و محترم

## جدول ۷. اصل چهارم؛ اصل نفی ماده



مسجد گنجعلی خان کرمان



مسجد جامع اصفهان

است و پدیده‌ها همه ظهور و تجلی و پرتو اویند. آن‌ها هیچ استقلالی از خود ندارند و عین تعلق به خداوندند. تجلی حضرت حق به دلیل توسع الهی تکرارپذیر نیست. از این رو تجلی او مدام است و با نفس رحمانی اش (بسط وجود بر اعیان)، دم به دم آفرینش نو می‌شود. بر این بنیاد، خلق جدید (آفرینش مدام) همان تجلی مستقر و تکرارناپذیر حق است. با تجلی جمالی حق، پدیده‌ها بقا می‌یابند و با تجلی جلالی، فانی می‌شوند. این بقا و فنا و خلع و لبس دائمی است (خلق مدام). تمثیلی که در مورد خلق جدید در بسیاری از کتب دیده می‌شود، این است که نور چراغ پیوسته در بقا و فناست و هر نفس، وجود چراغ در تبدیل است و تجدد که در نظر سطحی، گمان می‌رود، این فروزش از آغاز تا پایان یکی است. بر مبنای خلق جدید، تبدل و تجدد به طور مدام واقع می‌شود و به علت صفت ذاتی امکان، هر لحظه لباس وجود از تن پدیده‌ها برکنده می‌شود و به تجدد فیض رحمانی هر لحظه لباس جدیدی از وجود می‌پوشند، ولی به سبب سرعت انقضا و تجدد، این حقیقت بر ظاهر بینان مشهود و مکشوف نیست. در لابه‌لای بدنه بناهای معماری ایران، فضا هیچ‌گاه با قاطعیت مشخص نمی‌شود وابهام ترکیبات پیچیده آن به دلیل غناخشیدن به منظره‌ای است که نمی‌توان آن را در قالب محدود و تمامیت یافته تفسیر کرد. این فضا حامل پیام از پدیده‌ای است که پدیده دیگری در درون خود دارد.

تاریکی برای نور نقش مکمل را در پرداخت فضا دارد. اهمیت تاریکی در پردازش به میزانی است که عدم وجود آن این عمل را بی معنا می‌کند. همین مهم است که کیفیت فضاهای به تمام روش‌شن دوران نورا به زیر سوال برده و رخداد پردازش در اینگونه فضاهای را ناممکن ساخته است. ماده زدایی در معماری عملی کیمیایی است. کیمیا از نظر متفکر ایرانی چون نصر «راهی برای هشیاری از فریب غفلتی است که آن را جهان می‌نامیم، و این هشیاری به میانجی‌گری مشاهده اصلی طبیعت و سهیم شدن در رویای نفس عالم از طریق ازالة سدهای محدود کننده روان فردی حاصل می‌شود» (نصر، ۱۳۸۹، ص. ۲۶۵). و این عملی است که معمار ایرانی آن را به مدد اکسیر نور در فضا انجام داده است. در واقع در تبدل، عملی که در فرایند کیمیاگری روی می‌دهد، آنگونه اکسیر در سیماهای آشکار و نهان فلز دخالت می‌کند و بر آنها اثر می‌گذارد تا آن را به نسبت کامل موجود در طلا برساند.

## ۶.۵. اصل پنجم: «نُورٌ عَلَى نُورٍ»؛ اصل استمرار و تداوم

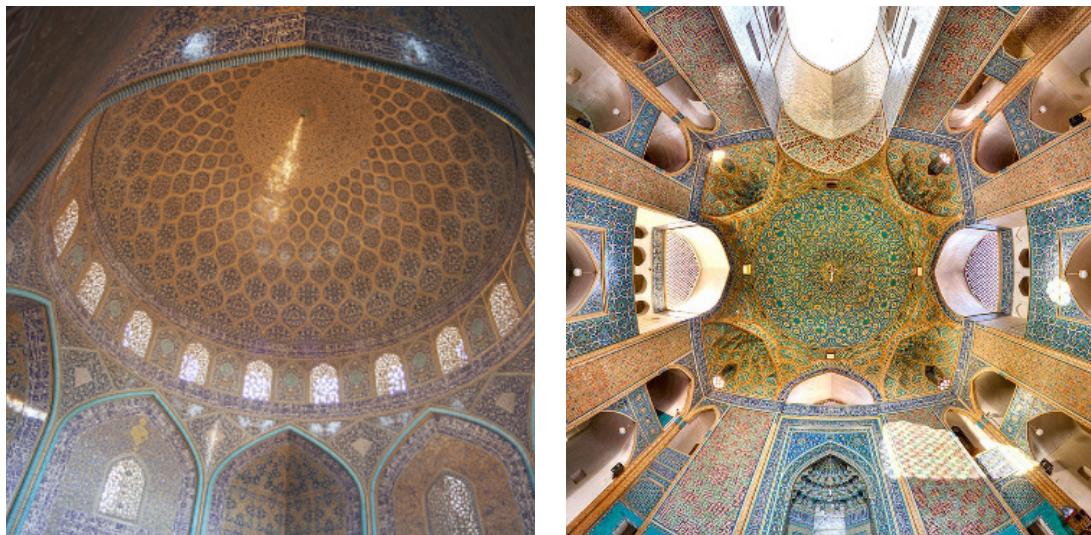
روشن‌گری خداوند همیشگی و دائمی است. اضافه فیض رحمانی به صفت جمالی و جلالی سبب تداوم و استمرار جهان هستی می‌شود؛ یعنی به مشیت الهی، موجودات به صفت جلالی نابود می‌شوند و به لطف خداوندی به صفت جمالی موجودیتی تازه می‌یابند. حضرت حق تنها وجود حقیقی

## میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۹۲

#### جدول ۸. اصل پنجم؛ اصل استمرار و تداوم



مسجد شیخ لطف الله

مسجد جامع یزد

روشنایی را به همراه تنظیم شرایط حرارتی برآورده می‌سازد و چه آنگاه که منبع برجای گذاری انواعی از اثرهای نوری و نشانی از ردپای حقیقت نور در معماری می‌شود، سبب مداخلات انحصاری نور در این معماری است. گزینش مکانی، شکلی و نوعی هر جزء معماری در نسبت با تغییرات و تحولات حاصل از «حرکت نور و سایه» و «تصویرسازی‌های نور» بر روی سطوح و در پی آن بر احجام که بنا به تغییر در زاویه تابش با ورود به درون فضاهای نوری متفاوت و متحركی را در زمان‌های مختلف بر جای می‌گذارند، به معماری قدیم ایران هویت معتبری بخشیده است. حرکت علاوه بر اینکه خود به عنوان یک عامل مستقیم در حضور کیفی نور قابل تعریف است، از آن رو که موجب جانبخشی فضا از حیث

«پویایی» می‌شود، دلیل جانبخشی اثر معماری شده است. حرکت نور بر روی سطوح و ایجاد تغییر میزان روشنایی آنها میان قلمروهای روشنایی و نیمه تاریکی؛ روشنی و تاریکی؛ و روشنایی و درخشانی که در طول ساعت‌های مختلف روز محدوده‌های مختلفی را تعیین می‌کنند همچون نقشی که طرح‌های اسلامی و دیگر آرایه‌ها بر پیکره معماری ایفا می‌کنند، تداعی‌گر گونه‌ای از پویایی شده که در

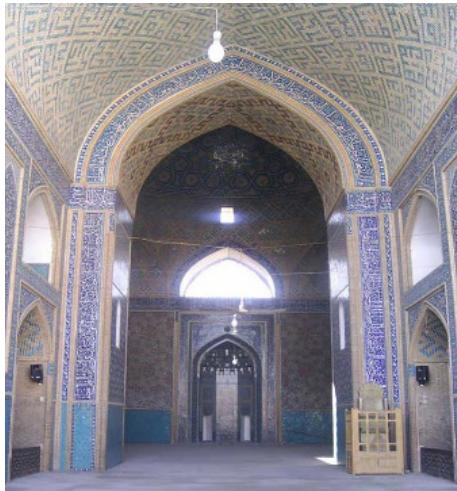
و حرکت به سوی آن، حرکتی به سوی بخش دیگر فضاست با کلیت و جامعیتی گسترده.

یکی از خصوصیات معماری ایران برقراری تداوم مکانی می‌باشد. پرده‌های فضایی، شروع و مقدمات آشکار ویژه‌ای را مشخص می‌نماید و اوج آن زمانی است که احوالات درون‌گرایانه به دلیل پشت سرگذاشتن مسیر و زمان به دریافت کاملی از یک حس باطنی در این عبور فضایی رسیده باشد. این آمادگی متأثر از حرکت، زمان و نور ایجاد می‌شود. نور در فضای معماری قدیم ایران حضوری مداوم و متغیر دارد و با القای حسی از تداوم و هماهنگی باعث در ک تداوم زمان در فضای می‌شود (جدول ۸).

#### ۶. اصل ششم: «یَهْدِی اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» اصل حرکت و وجهت

حرکت طبیعت نور طبیعی و علت وجود عینی نور است. از این رو به کارگیری اندیشه ابزارهای بیانی معماری به منظور تأکید و نمایانی حرکت که شاخصه نور شناخته شده موجود در هستی است، از جمله خصوصیاتی است که برپایی آثار معماری قدیم ایران از آن متأثر است. حرکت که همواره با موضوع «سوی» در «اثربخشی به فضا» و نیز «اثرپذیری از کالبد» نقش دارد، چه آنگاه که تامین

## جدول ۹. اصل ششم؛ اصل حرکت و جهت



مسجد جامع یزد



مسجد حکیم اصفهان

استفاده قرار گرفته است. جهت ورود نور در فضاهای حرکتی بنای‌های مذهبی به عنوان یک نیاز عملکردی در تعیین «راستای حرکت و تعریف کجایی» در فضا، چه با در معرض دید قرار دادن روزنه و چه با تاکید بر اثرهای نوری، مورد توجه بوده است. نور در اصلی‌ترین فضای نیایش و به منظور سلب توجه از جهتی خاص، برای «همه از نور بودن» ماده، تاکید بر جهتی خاص را در روشنایی بخشی ندارد مگر در تعیین سوی خاص که به طور معمول «جهت مقدس» است. موارد زیر مبانی تحقق ویژگی سوی نور در معماری قدیم ایران بوده‌اند که به صورت‌های شکلی مختلف در دوره‌های متفاوت عینیت یافته یا به ادراک در آمده‌اند:

- نور به منظور تعیین راستای حرکتی در ارتباط‌های فضایی؛

- نور به منظور تاکید بر راستا یا نقطه‌ای مشخص؛
- نور به منظور فراهم آوری بی‌جهتی و فراگیری (همه جایی).

**۷.۶. اصل هفتم: «وَيَصْرُبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»؛ اصل آیتی در معماری هر اثر برپا شده بیانگر است و در جوامع وابسته به سنت هر عمل معمار در برپایی مکان**

قیاس با مبانی تعریف کننده حرکت در حکمت قدیم ایرانی، یادآور «زنده بودن» است. حرکت عاملی وابسته به زمان است و در معماری قدیم ایران با نور تعریف می‌شود. به سخن دیگر حرکت عامل تعیین‌کننده زمان قراردادی (طلوع و غروب خورشید و ...) می‌شود و تغییر ناشی از حرکت در سیر زمان، تلقی از «بودن، ماندگاری و زندگی و منبع باشیدن» است. مشارکت اجزای معماری با ویژگی حرکت نور اهمیت ویژه‌ای در معماری قدیم ایران داشته است و سازگاری این معماری را با اصل حرکت، تعریف زمان و باور به زنده بودن اجزای عالم یادآور می‌شود. حرکت هدفمند نور در معماری قدیم ایران به عنوان یک ویژگی مورد توجه بوده و حضور کیفی نور را به طور متداوم تضمین کرده است. نور در این معماری نه تنها از ابزار تعیین جهت به شمار رفته است بلکه در گزینش جهت وارد شدن به فضا که برای حضور بخشی به فضا موثر است دخالت دارد (جدول ۹). «جهت وارد شدن نور به فضا» در اغلب موارد بویژه در فضاهای مذهبی چون مسجد و در فضای اصلی نیایش به گونه‌ای است که به تناسب عملکرد فضا، یا تعدادیه برای توجه به جهتی خاص به کار رفته یا آگاهانه برای سلب توجه از سوی نور، مورد

## جدول ۱۰. اصل هفتم؛ اصل آیتی



مسجد گنجعلی خان کرمان



مسجد شیخ لطف الله

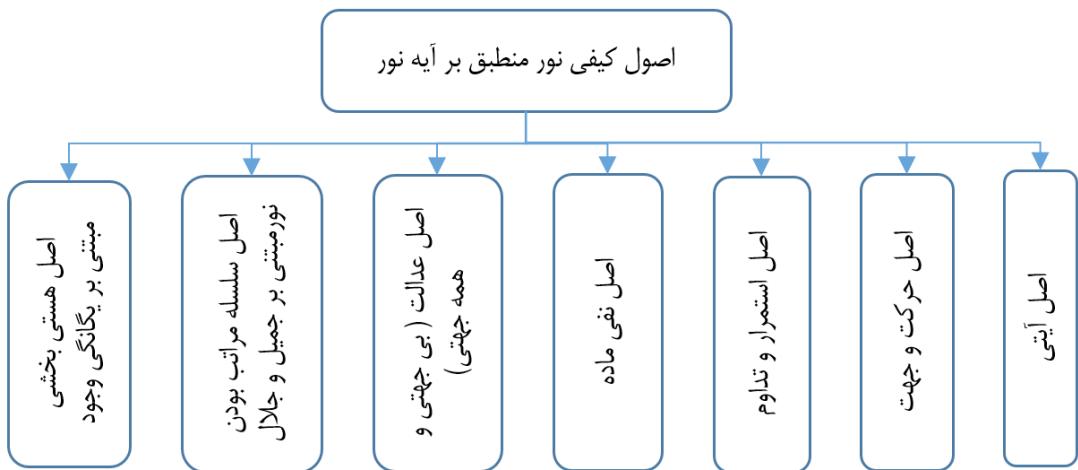
## میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۹۵

مستقیم نور است. اثر معماری برای «نورغالب» در معماری قدیم ایران همچون حجاب است و این حجاب به گونه‌ای طراحی شده است که بتواند آنگونه که مورد نیاز و خواست است نور را منشاء اثر در اثر معماری کند. از این رو این حجاب که خود قالب نور است نور را از مدخل‌های متفاوت به شیوه‌های مورد نظر به درون آورده است و اجزای قالب یا کالبد در همراهی با خواستی که حضور کیفی نور را طلب دارد به آن حضور بخشیده‌اند. در حکمت و عرفان ایرانی اصل «نشانه داشتن هستی یافته از هستی داده و مصنوع از صانع» یک باور پذیرفته است و گمان بر این است که برپادارندگان معماری از این اصل در به حضور رساندن نور که ردپایی از «هستی؛ یگانه هستی بخش؛ و همه جایی و همه زمانی حضور هستی بخش» دارد، بهره برده و آن را به تصویر و تصور در آورده‌اند. این مفاهیم در کالبد معماری قدیم ایران به همراه نقش فراهم‌آوری زمینه برای به حضور رساندن نور از طریق «اصل تضاد» و توسط تاریکی مهیا شده است. وجود تاریکی با وجود تقابل تاریکی به مفهوم ظلمت،

رخداد زندگی متعلق به آن، نشانه و ردپایی را از مبانی شکل دهنده به آن زندگی آشکار می‌کند. بیانگر از این رو که مضمون متن آن تبیین کیفیت زندگی انسان است و نشانه از آن رو که نشان از ملاحظات حقیقت زندگی متصور برای آن دارد. این تبیین و نشانه داشتن به وجه چند سویه نور، مفهوم نشان داشتن از محتوایی را که اساس زندگی بر پایه آن شکل گرفته است روشن می‌سازد. به سخن دیگر نور از حیث مقام بیانگری معماری، نشان از اصل نور، نورالاتوار دارد؛ ردپایی از حضور دارد که چه در عالم ماده و چه در عالم نفس تعریف شده است. نور در غالب نقشی که در معماری ایران قدیم دارا بوده است حضوری «غیرمستقیم» و «آیتی» دارد. در واقع آنچه از نور در این معماری به احساس و ادراک در می‌آید بیشتر آیتی از حضور آن است و به بیان دیگر حاصل انواع کنش و مشارکت میان ابزارهای بیانی معماری و نور است تا خود آن، مگر در فضای باز بیرونی چون میانسراها و فضاهای واسطه که به نوع دیگری است. اثرهای نوری حضور نور که در فضای معماری قدیم ایران تجربه می‌شود، شاخص‌تر از حضور



نمودار ۱. اصول کیفی نور منطبق بر آیه نور (نگارنده)

راتابع خود می‌کند و باعث افزایش حضور کیفی نور روز در فضای عبادی گشته و با تبدیل مشخصه‌های فضا، از کمی به کیفی، باعث پیدایش «مکان مقدس» می‌گردد. نگارنده بر اساس تاویلهای صورت گرفته از آیه نور توسط مفسران اسلامی و مقایسه و تطبیق آنها با یکدیگر، اصولی را استخراج نموده است که به عنوان ویژگی‌های کیفی نور تعریف و آنها را در نمونه‌های مساجد ارزشمند ادوار تاریخی ایران مورد تطبیق قرار داده است. این اصول در نمودار (۱) بیان شده است.

متأسفانه در معماری مساجد معاصر، نور به دلیل دوری گشتن از منابع آبخشخور خود(دین، حکمت، عرفان) جایگاه معنوی خود را از دست داده است. مساجدی که در گذشته با اتکا به مبانی ایمانی، حکمی و عرفانی بنا می‌شدند، به کالبدی‌هایی صرفاً فیزیکی و بی‌هویت بدل شده‌اند. این امر در نتیجه گسیختگی معماری مساجد امروزی از اندیشه‌های معنوی گذشتگان و نیز استفاده بدون تأمل از عناصر بصری مساجد گذشته و بی‌توجهی به لایه‌های معنوی و معرفتی حاصل شده است. امید آن که اصول معرفی شده، چشم‌اندازی جامع از مفاهیم عالی حضور کیفی نور در جهت ایجاد فضاهای منطبق با نیازهای معنوی، فرا راه انسان معاصر قرار دهد.

عنصری کارا و شاخص است (جدول ۱۰). تاریکی به عنوان ابزاری مناسب و لازم برای تایید و تأکید بر نور است و در معماری قدیم ایران برای نمایانی نقش نور به شکل‌های متفاوت به کار رفته است تا قلمروی آن «مظهر تجلی نور» شود از آن رو لازمه «رخ نمایی نور»، بر اساس قوانین فیزیکی دیدن، روشنایی نیست بلکه تاریکی است. سه ویژگی کلی زیر در تعریف نقش نشانه‌ای یا آبتدی نور در معماری قدیم ایران قابل شناسایی است:

- کمتر آشکار بودن یا پنهان بودن منبع نوری و بیشتر پیدا بودن اثر نور؛
- قدرت اثری نوری در نمایانی و چه چیز را نمایان کردن؛
- تصویرسازی به یاری رفتارهای نوری.

## ۷. جمع بندی و نتیجه گیری

نور به عنوان پایه و اساس باور اعتقادی در فرهنگ مردمان ایران قدیم، حضور چشمگیری در معماری فضاهای عبادی(مسجد) به عنوان تجلی گاه توحیدالهی داشته است. حضور نور در مساجد تاریخی ایران قدیم با تبعیت از ارزش‌های اسلامی به صورت کیفی بوده و جنبه کمی و فیزیکی آن جزئی جدائی ناپذیر از این حضور قلمداد می‌شود به بیان دیگر ارزش‌های دینی، رفتارهای نور و تاریکی

## منابع و مأخذ

۱. «قرآن کریم»، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای.
۲. اسپینورا، باروخ (۱۳۶۴) «اخلاق»، ترجمه محسن جهانگیری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳. اوشیدری، جهانگیر (۱۳۷۹) «نور، آتش، آتشکده در آیین زردشت»، تهران، نشر مرکز.
۴. باسائو، مرتی (۱۳۸۵) «نور»، ترجمه فربیا مقدم، چاپ اول، تهران، انتشارات حمیدا.
۵. بمانیان، محمدرضا و عالی نسب، محمد علی (۱۳۹۰) «بررسی نقش نور در تبیین توالی فضا در معماری اسلامی (نمونه موردی: مسجد شیخ لطف الله)»، مجله معماری و شهرسازی اسلامی.
۶. بمانیان، محمدرضا و نیکودل، فهیمه (۱۳۹۳) «بررسی انواع نورگیری و روش‌های تامین نور در مساجد دوره قاجار تهران»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، سال اول، شماره سوم.
۷. تقی زاده، حسن (۱۳۳۵) «مانی و دین او»، فراهم آورنده: احمد افشار شیرازی، تهران، چاپخانه مجلس.
۸. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷) «لغت نامه»، جلد پانزدهم و دهم، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. سهروردی، شهاب الدین (۱۳۷۵) «مجموعه مصنفات»، جلد دوم، تصحیح هانری کربن، سیدحسین نصر، نجفقلی حبیبی. چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۰. سهروردی، شهاب الدین (۱۳۸۳) «حکمه الاشراق»، به اهتمام عبدالله نورانی و مهدی محقق، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۰) «تفسیر المیزان»، جلد پانزدهم، چاپ پنجم، قم، نشر بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۲. عمید، حسن، (۱۳۷۹) «فرهنگ عمید»، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۱۳. «کتاب مقدس» (۱۳۶۲) تهران، انجمن کتاب مقدس ایران.
۱۴. کشمیری، هادی و نوشادی، زهره و عباسی،

## مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۹۷

# مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری  
Urban Management  
شماره ۴۳ تابستان ۹۵  
No.43 Summer 2016

۴۹۸